

## مروری بر شخصیت رئیس جمهور شهید کشورمان که در پیشگاه مردم به کار مداوم شهره بود

# اجر شهادت از پس خدمت

ما خراسانی‌ها خوب می‌شناسیمش؛ از خدمت در بارگاه منور رضوی تا روستاگردی در نقاط دورافتاده خراسان جنوبی برای دست‌گیری از کشاورز و دامدار و... بعد هم که از خراسان فاصله گرفت و راهی خیابان کشاورز در پایتخت و در ادامه پاستور نشین شد، بیشتر مردم ایران او را شناختند. او مردی از جنس خدمت بود و بی وقفه پی‌کار

سید حسین برومند، کشاورز اهل خراسان جنوبی:

### اشتباه نکردم، ایشان نماینده درستی بود

رفاقت هجده ساله آقاسید حسین برومند با رئیس جمهور شهید کشورمان در میان اهالی آیسک زیان‌دیده است. اهالی این بخش از استان خراسان جنوبی خوب می‌دانند که رفاقت او و شهید سید ابراهیم چه آورده‌هایی برای روستاهای محدوده داشته است. او از استان رفاقتش با این شهید می‌گوید: من اولین بار تصویر ایشان را زمانی که رئیس سازمان بازرسی کل کشور بود، در تلویزیون دیدم. به نظرم بسیار آدم نورانی و دوست داشتنی‌ای آمد. با چند روحانی در ارتباط بودم که حکم رفیق مشترک بین من و آقای رئیس را داشتند. وقتی صحبت از این آدم نجیب می‌شد، این دوستانم فقط دهان به تعریف و تمجید از این سید باز می‌کردند.

سید حسین برومند ادامه می‌دهد: وقتی آقای رئیس در انتخابات دوره چهارم خیرگان از خراسان جنوبی

مردم بود. حالا سید ابراهیم رئیس‌امی از میان مارفته است. مرد خستگی‌ناپذیر روزهای خدمت به درجه رفیع شهادت نائل آمده است. سرنوشت، ملت ایران را یک بار دیگر مقابل اتفاقی عجیب و پیش‌بینی نشده قرار داد و رئیس جمهوری را که سه سال قبل با رأی مردم به این منصب رسید، از ما گرفت.

نامزد شد، خودم را به بیرجند رساندم تا برای ایشان خدمت کنم. وقتی مرام و شخصیتشان را دیدم، فهمیدم اشتباه نکرده‌ام و ایشان می‌تواند نماینده درستی برای مجلس خیرگان از استان محل تولدم باشد.

### \* باروتیایان هم سفره می‌شد

کار در ستاد انتخاباتی نامزد مجلس خیرگان رهبری، شد آغاز رفاقت مرد کشاورزی که با روحانی جماعت خوب اخت می‌شد و این بار نوبت به یک روحانی بلند پایه اما خاکی رسیده بود. آقاسید حسین می‌گوید: این سید بزرگوار واقعا به روستا علاقه داشت و دوست داشت پای حرف جماعت کشاورز و دامدار بنشیند. آدم قیل انتخابات و رأی گرفتن هم نبود، بعد انتخابات هم در فرصت‌هایی که پیدا می‌کرد، در روستا و مناطق دورافتاده حاضر می‌شد. آخر هم که دپدید در همین راه و در یک نقطه دور به شهادت رسید.

سید حسین برومند به هم سفره شدن رئیس جمهور با روستاییان و صمیمی بودن با آن‌ها اشاره و تعریف می‌کند:

دوران طلایی خدمت شهید رئیس‌امی در نهاد های مختلف، سبب شده بود که آدم‌های زیادی با او مراد داشته باشند؛ آدم‌هایی که اکنون و در مرور خاطراتشان از این مرد به نیکی یاد می‌کنند و حرف‌های جالبی در وصف رفتار متواضعانه او دارند.

من یک چیزی درباره خاکی بودن می‌گویم. شما یک چیزی می‌شنوید. با هم راه می‌افتادیم به سمت روستاهای آیسک. اولویت اول مشکلات مردم بود. بعد اگر تعارفش می‌کردند، با هر غذایی که فراهم بود، با مردم روستا هم سفره می‌شد تا با او احساس راحتی کنند.

برومند که حالا هجده سال رفاقت نزدیک با رئیس جمهور شهید ایران را پایان یافته می‌بیند و غمگین است، درباره این فقدان می‌گوید: واقعا برای خودش ناراحت نیستیم؛ او به درجه رفیع شهادت نائل شده است و چه جایگاهی بالاتر از این؟ ناراحتی‌ام برای خودمان است که دیگر ایشان را بین خودمان نداریم.

سید حسین برومند در پایان مرور خاطراتش با شهید سید ابراهیم رئیس‌امی می‌گوید: ایشان در سفره خراسان جنوبی همیشه منبر رفتن را در اولویت قرار می‌داد. می‌خواهم بگویم در بالاترین مناصب دولتی هم آن وظیفه طلبگی را از خاطر نمی‌برد و روضه حضرت علی اصغر<sup>(ع)</sup> را بسیار دل‌نشین و سوزناک می‌خواند.

آن دیدارها و پیگیری‌های رئیس جمهور شهید، اتفاقات خوبی را در محله ارمغان ماندگار کرد. این مرد خدمتگزار با یاری رساندنش سنگ بنای مجموعه‌ای فرهنگی در مسجد امام علی<sup>(ع)</sup> را گذاشت، مجموعه‌ای که حالا در فقدان آن سید بزرگوار، پایگاه فرهنگی محله است. اسماعیلی می‌گوید: آقای رئیس‌امی در برخورد با مراجع‌کنندگان متواضع بود و وقتی متوجه شد می‌خواهیم کار فرهنگی برای بچه‌ها انجام دهیم، استقبال کرد. از زمان درخواست ما تا زمان همراهی و تأمین وجه کمک آستان قدس به مسجد، کمتر از یک هفته شد و در نهایت خودش هم پیگیر بود که کار انجام شود.

اسماعیلی خلاصه‌ای از شخصیت شهید رئیس‌امی را در دیدارهایش این‌گونه معرفی می‌کند: ایشان مردی جهادی بود که در مواجهه با مردم، جایگاه مدیر و مردم را لحاظ نمی‌کرد و فقط دنبال خدمت بود. حتی خاطر هم هست در دیدارهای مردمی به‌گونه‌ای رفتار می‌کرد که انگار ماکاره‌ای هستیم.

است. اما آن قدر ارتباط با بچه‌ها برای آقای رئیس‌امی مهم بود که با صبر و حوصله و لبخند، ایستاد و عکس یادگاری گرفت. این طلبه جوان ادامه می‌دهد: اردوگاه کنونی امام رضا<sup>(ع)</sup> در گذشته باغی بود که فقط چند قشر خاص از آن استفاده می‌کردند، به طوری که بعضی‌ها به آن کاخ می‌گفتند؛ اما زمانی که شهید رئیس‌امی تولیت آستان قدس را برعهده گرفت، دستور داد آن را به مکانی تبدیل کنند که منفعتش برای همه باشد. در نتیجه باغ بیلدر به اردوگاهی تبدیل شد که فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مختلفی در آن انجام می‌شود.

او در صحبت‌هایش بارها به مردمی بودن شهید رئیس‌امی اشاره می‌کند و در ادامه از یکی دیگر از خاطراتش یاد می‌کند و می‌گوید: دقیق خاطر نیست کجا بود، اما یادم هست در یک مراسم افطاری حضور داشتیم که آقای رئیس‌امی هم بود. همان جا خیلی متواضعانه کنار همه سر سفره افطار نشست. حالا این را مقایسه کنید با رفتار مسئولی که از مردم فاصله می‌گیرد و پشت درهای بسته مدیریت می‌کند. حیفا این مرد که دیگر در جمع ما نیست.

اسماعیلی با شهید رئیس‌امی است که به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: اولین بار در رواق امام خمینی<sup>(ع)</sup> در حرم مطهر خدمت آقای رئیس‌امی رسیدم. روز دیدار نوروزی رهبر معظم انقلاب بود. خلاصه‌ای از کمبودها را خدمت تولیت وقت آستان قدس رضوی عرض کردم. در همه مدت صحبت سرایشان پایین بود و به حرف‌های من گوش می‌کرد. در پایان صحبت‌هایم و بیان درخواست‌ها هم چیزی به جز «چشم» بر زبان نیاورد.

### \* پایه‌گذاری کار فرهنگی در شهرک ارمغان

چشم‌گفتن تولیت وقت آستان قدس رضوی همانا و پیگیر شدن برای رفع کاستی‌های مسجد امام علی<sup>(ع)</sup> شهرک ارمغان همانا. اسماعیلی می‌گوید: این شهید بزرگوار به معنای واقعی پیگیر کار مردم بود و دوست داشت گرهی از مشکلات مردم باز شود. به همین دلیل، دیدار و صحبت ما هم در یک چشم‌گفتن خلاصه نشد و بعد از آن برایم پیام دیدار بعدی آمد.

در جمع بچه‌ها با آن‌ها عکس یادگاری گرفت.

این روحانی آن لحظه در حال صحبت کردن با نوجوانان پسر بوده و به آن‌ها می‌گفته همین طور که تیرا به هدف می‌زنیم، در زندگی هم باید هدف داشته باشیم، گاهی هم ممکن است به هدفمان نرسیم و... در این لحظه آقای رئیس‌امی که می‌رسد، بعد از سلام و احوال‌پرسی همان جا می‌نشیند و از سلامت می‌خواهد صحبت‌هایش را ادامه دهد. بعد هم با لبخند به این صحبت‌ها گوش می‌کند. او ادامه می‌دهد: ایشان این قدر متواضعانه و مردمی کنار ما حضور داشت که برخلاف تصورم نه تنها معذب نبودیم، بلکه احساس دل‌گرمی کردیم. حیفا که این مرد دیگر نیست

سلامت می‌گوید: بچه‌ها این قدر از این هم نشینی نزدیک ذوق زده بودند و از طرفی این شهید آن قدر رفتار صمیمی و مهریانه‌ای داشت که بچه‌ها دور ایشان جمع شدند و ایشان هم آن‌ها را بغل کرد. ابتدا همراهانش می‌خواستند مانع این کار شوند. اما خودش گفت اجازه دهید بچه‌ها راحت باشند. بعد بچه‌ها از ایشان خواستند عکس یادگاری بگیرد که باز همراهانش گفتند وقت نداریم و دیر شده

### غلامحسن اسماعیلی، فعال فرهنگی و رئیس شورای اجتماعی ارمغان: سرش برابر مردم پایین بود

برخورد گرم با مراجعان در زمان تولیت آستان قدس رضوی، رفتاری تکراری از رئیس جمهور شهید بوده که در ذهن افراد باقی مانده است. این نظر را غلامحسن اسماعیلی هم در شروع صحبت‌هایش دارد؛ او که بارها برای پیگیری امور محله ارمغان به دیدار آقای رئیس‌امی رفته بود. اسماعیلی توضیح می‌دهد: من سال هاست پیگیر امور شهرک ارمغان در منطقه ۱۱ هستم. به مسئولان مختلفی برای رتق و فتق امور محله مراجعه کرده‌ام. باید عرض کنم آقای رئیس‌امی در زمان تولیت آستان قدس رضوی جزو مدیرانی بود که بیشترین همراهی را با مراجع‌نمایندگان محله داشت.

«سرش برابر مردم پایین بود.» این تصویر اولین دیدار

### حجت الاسلام والمسلمین مرتضی سلامت روحانی محله دانشجو:

### با حضور ایشان دل‌گرم شدیم

وقتی سر صحبت را با طلبه‌ای جوان از اهالی محله دانشجو باز می‌کنیم، بغض‌گلویش را می‌گیرد تا صحبت درباره رئیس جمهور شهید را آغاز کند. حجت الاسلام والمسلمین مرتضی سلامت در این سال‌هایی که لباس روحانیت به تن کرده، در محافل و دیدارهای مختلف هم نشین شهید رئیس‌امی در زمان تولیت ایشان در آستان قدس رضوی بوده است؛ دیدارهایی که اکنون آن‌ها را به فال نیک می‌گیرد و در بیان یکی از این خاطرات می‌گوید: در اردوگاه بیلدر (اردوگاه فرهنگی هنری امام رضا<sup>(ع)</sup> در طرقله) در حال بازی و آموزش دادن تیراندازی به نوجوانان بودم که گفتند آقای رئیس‌امی برای بازدید آمده است. چند دقیقه بعد، کنارمان بود. فکر می‌کردم از دور بایستد و تماشا کند. اما بدون اینکه هیچ‌اشنایی قبلی با من داشته باشد، نزدیک آمد، روپوشی کرد و بعد هم برخلاف نظر همراهانش